بررسى افسانه جزيره خضراء

 مجتبى كلباسى

در دو شماره گذشته، موضوع ((جزيره خضراء)) از دو زاويه، مورد بحث قرار گرفت:

 1. بررسي سند و متن داستان؛

 2. بررسي تاريخي و جغرافيايي داستان.

 اختلاف در سند، تناقض‏در متن و نيز ريشه‏هاي تاريخي و رواني شكل‏گيري اين داستان، از جمله مواردي بود كه بدان پرداخته شد. در اين قسمت، داستان ياد شده، از زاويه ديگري مورد بحث قرار خواهد گرفت.

 مثلث برمودا

 در جنوب غربي ايالات متحده آمريكا، منطقه‏اي وجود دارد كه به مثلث برمودا معروف است. رسانه‏هاي غربي، با افسانه سازي‏هاي جهت دار درباره آن، خواسته‏اند اين منطقه را، منطقه‏اي مرموز و پرخطر قلمداد كنند.

 در اين مقاله ضمن بررسي اين موضوع، تطبيق نابه‏جاي آن بر ((جزيره خضراء)) مورد نقد و ارزيابي قرار خواهد گرفت.

 موقعيت جغرافيايي برمودا ((Bermuda))

 در مقابل ايالت‏هاي جورجيا، كارولينا و فلوريداي آمريكا، جزايري به نام ((برمودا)) وجود دارد. در جنوب اين جزاير، جزاير باهاما، پرتوريكو، دومينيكن، هائيتي، جامائيكا و كوبا قرار دارد.

 جزاير ((برمودا))، با 4/54 كيلومتر در 934 كيلومتري شرق سواحل آمريكا قرار دارد و متشكل از 150 جزيره مرجاني است كه فقط بيست مورد آن قابل سكونت است. جمعيت آن حدود، 650000 هزار نفر و نژاد مردم آن سياه، سفيد و دورگه است. اكثر مردم آن جا پروتستان است و هاميلتون مركز آن مي‏باشد.

 ((برمودا)) از قديمي‏ترين مستعمرات انگلستان است.

 مثلث برمودا

 اين مثلث، يك مثلث فرضي است كه رأس آن، جزاير برمودا و قاعده آن، ايالات متحده آمريكا (ايالت‏هاي جنوب شرقي) و اضلاع آن كشورهاي كوبا، هائيتي، دومينيكن و جامائيكا را شامل مي‏گردد.(1)

 وضعيت كشورهاي واقع در منطقه مثلث برمودا

 كوبا - با بيش از 160 جزيره - در جنوب سواحل فلوريداي آمريكا و شمال غرب درياي كارائيب واقع شده است.

 جمعيت آن در سال 1979 م. حدود ده ميليون نفر بوده است كه اكثراً مسيحي‏اند و زبان آن اسپانيولي است.

 تاريخچه كوبا

 كريستف كلمب در 1492 م. سواحل شرقي كوبا را كشف كرد. در آن زمان، يك ميليون نفر سرخ‏پوست در آن جا زندگي مي‏كردند. در سال 1511 م. اسپانيايي‏ها كوبا را مستعمره خود قرار دادند. با كاهش جمعيت بومي جزيره (در اثر كشتار و فشار استعمارگران)، اسپانيايي‏ها شروع به وارد كردن بردگان آفريقايي كردند. كوبا، از سال 1950 م. به بعد مركز اجتماع كشتي‏هاي حامل غنايمي شد كه از دنياي جديد، به دست مي‏آمد.

 دريانوردان فرانسوي و انگليسي، پيوسته براي اسپانيايي‏هاي كوبا، ايجاد مزاحمت مي‏كردند. اين كشور، در قرن هفدهم محل رقابت شديد، قدرت‏هاي اروپايي بود.

 مبارزه كوبايي‏ها، براي استقلال در سال‏هاي 1820 م. با فراز و نشيب همراه بود و اسپانيايي‏ها، با شدت و خشونت، استقلال طلبان را سركوب مي‏كردند.

 هزاران كوبايي به آمريكا گريختند و يا تشكيل انجمن‏هاي سري، مبارزات چريكي خود را آغاز كردند كه ده سال به طول انجاميد؛ ولي تسلط اسپانيايي‏ها بر كوبا باقي ماند.

 ايالات متحده آمريكا، علاقه‏مند بود كه كوبا را به خود ملحق سازد؛ ولي جنگ‏هاي داخلي آمريكا مانع آن شد.

 در فوريه 1898 م. كشتي زره‏پوش متعلق به نيروي دريايي آمريكا، در ساحل هاوانا منفجر شد و اين بهانه‏اي گرديد تا آمريكا، به جنگ كوتاه مدتي با اسپانيا بپردازد. تجهيزات اسپانيايي‏ها در سانتياگو، منهدم شد و بالاخره آنان در معاهده پاريس 1898 م. كوبا و پروتوريكو را به آمريكا واگذار كردند. از اين پس، كوبا به وسيله آمريكايي‏ها اداره مي‏شد. آنان پايگاهي در ((گوانتانامو)) ايجاد كردند (كه هم اكنون نيز در دست آمريكا است).

 در سه دهه اول قرن بيستم (1900 تا 1930) بارها نظاميان آمريكا در كوبا مداخله كردند. حكومت دست‏نشانده آنان در ((كوبا))، با اختناق تمام، سلطه آمريكا را برقرار مي‏ساخت. مالكيت آمريكايي‏ها بر بيشتر بخش‏هاي اقتصادي كوبا، مشكلات اين كشور را به صورت حادي در آورد و سرتاسر كوبا، پر از فساد، فقر، قمار و انحرافات جنسي گرديد.

 مبارزه مردمي كوبائيان، به رهبري كاسترو، با شدت تمام از جانب دولت دست نشانده و نيروهاي آمريكايي، سركوب شد؛ ولي كاسترو در سال 1959 م توانست پس از نبردهاي فراوان، وارد ((هاوانا)) شده، و قدرت را به دست گيرد.

 در 25 اكتبر همان سال، هاوانا به وسيله هواپيماهاي مزدوراني كه از سوي آمريكا سازمان يافته بودند، بمباران شد.

 كاسترو نيز اموال آمريكايي‏ها را - كه مالك 90 % املاك و اكثر بخش‏هاي اقتصادي و مهم كوبا بودند، مصادره كرد.

 فشارهاي آمريكا، كوبا را به انعقاد قرارداد با شوروي واداشت. آمريكا با سازمان‏دهي هزاران كوبايي گريخته از آن كشور، به كوبا حمله كرد و جنگ خليج خوك‏ها را به وجود آورد. در اين حمله، مزدوران آمريكايي، دچار شكست سختي شدند.

 در 1962 م. شوروي، پاسگاه موشكي در كوبا ايجاد كرد كه خطر جنگ سوم جهاني را به وجود آورد و با تهديدات آمريكا، شوروي پايگاه‏هاي خود را تعطيل كرد.

 هائيتي (Haiti)

 ((هائيتي)) نيز از مستعمرات اسپانيا بود. رقابت بين استعمارگران اروپايي، موجب بروز جنگ‏هاي متعددي، در اين منطقه شد. فرانسويان و انگليسي‏ها، به حمايت از دزدان دريايي، به آزار اسپانيايي‏ها مي‏پرداختند؛ بالاخره فرانسويان آن جا را متصرف شدند و تا اوايل قرن نوزدهم، هائيتي را در استعمار خود داشتند.

 مبارزات طولاني مردم و برده‏ها در هائيتي، با قساوت تمام به وسيله فرانسويان سركوب شد. هائيتي اكنون از كشورهايي است كه زير سلطه آمريكا قرار دارد و به عنوان ايالت پنجاه و دوم آن كشور، شناخته مي‏شود.(2)

 باهاما (Bahamas)

 باهاما، شامل حدود 70 جزيره و 2000 جزيره صخره‏اي است. كريستف كلمب در 1492 م. آن را كشف و به اسپانيا ملحق كرد. در قرن هفده و هيجدهم ميلادي، بين انگليس و اسپانيا، جنگ‏هايي بر سر ((باهاما)) روي داد كه منجر به تصرّف آن‏ها در سال 1783 م. به وسيله انگليس شد.

 باهاما، به مدت 190 سال، تحت الحماية انگليس بود تا اين كه در سال 1973 م. به استقلال رسيد.

 جامائيكا و دومينيكن‏

 وضعيت اين كشورها نيز كمابيش، همانند كوبا، باهاما و هائيتي بود. رقابت استعمارگران اروپايي و ظهور قدرت جديدي به نام ((ايالات متحده آمريكا)) در مجاروت آن‏ها، شرايط زير را براي اين منطقه فراهم كرد:

 1. كودتاهاي متعدد متكي به نفوذ استعمارگران؛

 2. رقابت‏هاي فشرده نظامي به ويژه در درياهاي منطقه؛

 3. مبارزات مستمر و پي‏گير مردم به شكل‏هاي مختلف نظامي و سياسي.

 جنگ سرد

 پس از پايان جنگ جهاني دوم و با ظهور دو قدرت بزرگ (آمريكا و شوروي) و تقسيم مناطق مختلف جهان در بين خود؛ شرايط بروز جنگ سرد و رقابت‏هاي مختلف سياسي - اقتصادي و نظامي در بين اين دو قدرت، آغاز شد.

 هر كدام از اين قدرت‏ها، در پي بسط نفوذ خويش و حفظ آن - به ويژه در مناطق استراتژيك - بودند.

 از جمله مناطق بسيار مهم، منطقه ((مثلث برمودا)) بود؛ چرا كه با فاصله كمي در نزديكي ايالات متحده آمريكا قرار داشت و منطقه‏اي كاملاً مهم و سوق‏الجيسي، براي تسلّط بر اقيانوس اطلس، درياي كارائيب، آمريكاي مركزي و لاتين به شمار مي‏رفت.

 سوابق استعماري آمريكا، در اين منطقه موجب بروز حركت‏هاي رهايي‏بخش گسترده‏اي شد و شوري نيز - كه شرايط را براي حضور در اين منطقه مساعد مي‏ديد - با پشتيباني از اين حركت‏ها، جاي پاي خود را در منطقه، محكم كرد و در سال‏هاي جنگ سرد، كوبا و مثلث ((برمودا)) را، به عنوان يكي از مناطق مهم اين مرحله از قرن بيستم، مطرح ساخت.

 تحريك ضد انقلابيان و ايجاد درگيري‏هاي مختلف در منطقه، از ديگر حوادث دهه‏هاي 1950 - 1970 ميلادي است.

 افسانه‏سازي‏هاي استعمارگران‏

 سال‏هاي طولاني حضور استعمارگران در اين منطقه و رقابت‏هاي موجود در بين آن‏ها و مبارزات و سركوب هايي كه صورت مي‏گرفت؛ زمينه را براي پيدايش افسانه‏ها و تخيّلات فراهم كرد؛ به طوري كه بسياري از حوادث به وجود آمده؛ به عوامل ناشناخته، نسبت داده مي‏شود.

 از ديگر مواردي كه بايد دزدان درياي در اين دوره مورد توجه قرار داد، موضوع دزدان دريايي و حمايت رقيبان استعماري از آن‏ها براي ضربه زدن به منافع رقيب است. طبيعي است كه اين دزدان دريايي، مايل نبودند از خود نام ونشان به جا بگذارند؛ بلكه صرفاً به دنبال اهداف خويش بودند.

 مجموعه اين عوامل، فضايي ابهام‏آميز و ترسناك را بر منطقه حاكم كرد و زمينه را براي شكل‏گيري ((افسانه‏ها)) و ((انتساب حوادث به عوامل ناشناخته)) آماده نمود.

 بررسي مدارك موجود

 با بررسي و پژوهش مدارك مربوط به حوادث ((مثلث برمودا)) روشن مي‏شود كه ريشه بسياري از آن‏ها، فقط در مطبوعات است؛ آن هم نه مطبوعاتي نامعتبر و غيرقابل اعتماد كه براي جلب مشتري و خوانند، و مطلبي را منتشر مي‏سازند تا شمارگان بيشتري پيدا كنند.

 غيرقابل اعتماد بودن مداركي، مانند روزنامه‏ها و مجلات، در اين گونه موضوعات، مسأله‏اي نيست كه نيازمند دليل باشد؛ زيرا اگر كسي به اين گونه رسانه‏ها اعتماد كند، به سرعت با سؤالات فراوان روبه‏رو خواهد شد.

 از اين رو استناد به چنين مدارك و يا مدارك و عناوين ناشناخته، هيچ مطالب علمي را اثبات نمي‏كند.

 ((مثلث برمودا)) و آب و هواي آن‏

 مثلث برمودا و كشورها و مناطق واقع شده در آن، از نظر آب و هوا و جريان‏هاي دريايي، وضعيت ويژه‏اي دارند. جريان آب‏هاي گرم ((گلف استريم)) - كه از خليج مكزيك آغاز شده و تا شمال درياي اطلس ادامه مي‏يابد - يكي از اين ويژگي‏ها است.

 اين جريان آب گرم - كه با فشار زياد، از خليج مكزيك به سمت اقيانوس اطلس جريان دارد - شرايط خاصي را در منطقه ايجاد مي‏كند. تلاطم آب دريا، غرش امواج، مه گرفتگي و... از جمله خصوصيات اين جريان است.

 ((گلف استريم)) ( Gulf Stream) مهم‏ترين جريان دريايي است كه از خليج مكزيك (واقع بين كوبا و فلوريدا) شروع مي‏شود. اين جريان با سرعت پنج كيلومتر در ساعت، حركت مي‏كند و پهناي آن 145 كيلومتر است. ژرفاي آن در برخي نقاط، به 800 متر مي‏رسد و در هر دقيقه، دو بليون تن آب را در امتداد سواحل ((فلوريدا)) بر روي هم مي‏خزاند.

 ((گلف استريم))، در امتداد ساحل اقيانوس اطلس (در اطراف آمريكا) حركت مي‏كند. سپس از دماغه ((كاد)) (در ماساچوست) گذشته، به طرف مشرق مي‏پيچد، آن گاه عرض اقيانوس اطلس را طي مي‏كند و بر عرض آن افزوده مي‏شود. در آن جا حرارتي كه از نواحي گرمسير با خود آورده بود، از دست مي‏دهد و به شعبه‏هاي زيادي تقسيم مي‏شود. يكي از آن‏ها، سواحل ((ايسلند)) را مي‏شويد و ديگري كرانه‏هاي ((انگلستان و نروژ)) را در مي‏نوردد و در آن جا يخ‏هاي قطبي را به عقب مي‏راند وشاخه بزرگي از آن نيز در امتداد سواحل آفريقا، به جنوب مي‏پيچد.(3)

 خصوصيت ديگر آن، وزش طوفان‏هاي موسمي است كه با سرعت بالاي يكصد كيلومتر، در اين مناطق مي‏وزد. شدّت اين جريانات، به حدي است كه در موارد متعددي، ايالات شرقي آمريكا را نيز دربرمي‏گيرد وموجب بروز خسارات فراوان، در اين منطقه مي‏گردد.

 نتيجه‏گيري‏

 از مجموع مطالب گذشته، روشن مي‏شود كه ((مثلث برمودا))، به دليل شرايط مختلف سياسي، نظامي و جغرافيايي، منطقه‏اي حادثه‏خيز است و به همين دليل و نيز وجود انگيزه‏هاي سياسي براي مخفي ماندن عوامل حادثه ساز، باعث شكل‏گيري افسانه هايي در اذهان مردم و سپس در مطبوعات و رسانه‏ها شده است.

 مناطق ديگر خطرخيز جهان‏

 در برخي نقاط كره زمين نيز محدوده‏هايي يافت مي‏شود كه ((خطرخيز)) هستند و به جهت حوادثي كه در آن رخ داده است، شهرتي كسب كرده‏اند؛ مانند ((مثلث شيطان)) در اقيانوس آرام و در نزديكي‏هاي ژاپن قرار دارد و به دليل كثرت حوادث دريايي در آن به ((مثلث شيطان)) معروف شده است.

 ترافيك سنگين هوايي و درياي منطقه برمودا

 ((جزيره برمودا)) - سالانه پذيراي صدها هزار جهانگرد است - و نيز ساير مناطق واقع شده در ((مثلث برمودا))، از پرترافيك‏ترين مناطق دريايي و هوايي جهان به شمار مي‏آيد. ده‏ها خط هوايي، روزانه به اين منطقه پرواز دارند و صدها خط دريايي در اين منطقه، به حمل مسافر و بار مشغول‏اند و هيچ توجهي به افسانه‏هاي ساخته شده درباره ((مثلث برمودا)) ندارند.(4)

 تبليغات استعماري‏

 استعمارگران و ابرقدرت‏هاي جهان - به ويژه آمريكا و رسانه‏هاي غربي - هر زمان كه سياست‏شان اقتضا كند، فضاهايي را ايجاد مي‏كنند كه بسيار اغفال كننده و وارونه نشان دهنده حقايق است.

 در مورد ((برمودا)) نيز همين پديده - به دلايلي كه قبلاً گذشت - اتفاق افتاده است.

 مثال مشهور و جاري اين مدعا، تبليغات فريبكارانه آمريكا درباره تروريسم است. مجموعه تبليغات جهاني درباره ((تروريسم)) براي كسي كه آن روي سكه را نديده باشد، ترديدي باقي نمي‏گذارد كه فلسطينان، حزب الله و...، ترووريست هستند و آمريكا و اسرائيل، از خود دفاع مي‏كنند!

 تبليغات جهت دار، درباره ((مثلث برمودا)) و حادثه‏هاي آن نيز براي برخي افراد بي‏اطلاع و يا افسانه‏گرا، چنين تخيلي را پيش آورده كه واقعاً در آن جا خبر ويژه‏اي است. براي مثال همين شرايط، زمينه را براي سوءاستفاده برخي از فرصت‏طلبان، فراهم مي‏ساخت. آنان با اختفاي كشتي‏هاي خود، خبر از ناپديد شدن آن مي‏دادند و از شركت‏هاي بيمه، غرامت دريافت مي‏كردند. سپس همان كشتي را با نام ديگر و تغيير بعضي از ظواهر، در نقطه‏اي ديگر به ثبت رسانده و مجدداً مي‏فروختند و يا از آن بهره‏برداري مي‏كردند.

 گزارش‏هاي نظامي‏

 يكي از مستندات داستان‏سرايان ((مثلث برمودا))، گزارش‏هاي نظامي است. گرچه به نظر مي‏رسد بيشتر آنان، ساختگي و بدون مدرك باشد؛ ولي اين نكته روشن است كه ((مسائل نظامي)) از اخبار سرّي به شمار مي‏رود و در بسياري از موارد، پس از خبرهاي ساختگي نظامي، به جهت ردگم‏كردن و پوشش دادن به حركات نظامي، انتشار يافته است.

 بنابراين درمقوله خبرهاي نظامي، بايد اين مطلب مورد توجه باشد، خصوصاً وقتي سند اخبار رسانه‏ها باشد.

 موقعيت جزيره خضراء

 چنان كه در شماره‏هاي پيشين بيان شد، محل ((جزيره خضراء)) در درياي سفيد مديترانه) فعلي است. اين وصف، از گذشته‏هاي بسيار دور، براي اين دريا اطلاق مي‏شد و هم اكنون نيز به همين نام خوانده مي‏شود. دليل آن نيز رسوبات سفيد رنگ بستر دريا است؛ به گونه‏اي كه آب آن، سفيد به نظر مي‏رسد. چنان كه درياي سياه و درياي سرخ نيز به همين دليل، سياه و سرخ ناميده شده‏اند .

 بنابراين محل ((جزيره خضراء)) در داستان جزيره با سواحل غربي اقيانوس اطلس و جزاير برمودا و امثال آن ارتباطي ندارند.

 خدشه بر چهره مهدويت و امام زمان‏

 گذشته از اشكالات متعدد و تاريخي داستان ((جزيره خضراء))، تطبيق آن بر ((مثلث برمودا)) علاوه بر آن كه ترسيمي نادرست و غيرمعتبر است؛ چهره امام زمان (عج) را نيز مخدوش مي‏سازد.

 آنچه در داستان ((جزيره خضرا)) آمده، آن است كه كشتي‏هاي دشمنان غرق مي‏شود؛ نه اين كه تعداد زيادي هواپيما و كشتي - آن هم بدون آن كه خصومتي داشته باشند - به قعر دريا فرستاده مي‏شوند و يا از صحنه روزگار محو مي‏شوند.

 چنين تصوراتي، اساساً با رسالت امام زمان (عج) و سيره آن حضرت و پدران گرامي‏اش، در تضاد كامل است. چه اين كه غرق و نابود كردن اموال كساني كه خصومتي با آن حضرت ندارند، كاري نيست كه در شأن پيشوايان معصوم(ع) باشد.

 بناي برباد و اقرار بر خداوند

 از جمله گناهان بسيار بزرگ، در واقع نسبت دادن دروغ و افترا، به خداوند و اولياي او است. قرآن مجيد در موارد متعددي، اين حقيقت را بيان فرموده است: ((و من اظلم ممن افتري علي الله كذباً))؛ ((چه كسي ستمكارتر است از كسي كه به خداوند دروغ ببندد)).

 اساس داستان ((جزيره خضراء))، چيزي نيست كه بتوان آن را به امام زمان (عج) نسبت داد و بر حسب موازين شناخته شده، به هيچ وجه قابل اعتماد و استفاده نيست.

 با وجود اين همه ضعف و كاستي، متأسفانه برخي افراد ساده لوح و سطحي‏نگر، نه تنها به اين نكته توجه ندارند؛ بلكه با تطبيقي بي‏جا و نامعقول، چهره امام زمان (عج) را مخدوش نموده و آن را به گونه‏اي ترسيم مي‏كنند كه هيچ نسبتي با شخصيت آن حضرت و پدران گرامي‏اش ندارد.

 در مورد ((جزيره خضراء)) و تطبيق نادرست آن بر ((برمودا)) بايد گفت:

 يكم. اصل داستان غير قابل قبول است؛

 دوم. ((جزيره خضراء)) در درياي مديترانه است، نه اقيانوس اطلس؛

 سوم. وقايع ((مثلث برمودا)) ساخته رسانه‏هاي غربي و افسانه‏سازان است؛

 چهارم. بر فرض كه افسانه‏هاي ((برمودا)) صحيح باشد، هيچ ربطي به امام زمان و مقام آن حضرت ندارد.

--------------------

 پي‏نوشت‏ها:

 1. محمود محبوب، گيتاشناسي كشورها.

 2. مهرداد بهرتن، گنجينه فرهنگ و علوم، ج 1 ص 47.

 3. گيتاشناسي كشورها.

 4. براي اطلاع از خطوط هوايي دريايي برمودا به آدرس زير در اينترنت مراجعه كنيد:

 www.Bermuda\_online.org